

کلمه حق

ترکمانچای سازی از قراردادی که نوشته نشد!



اولین بار رسانه های آمریکایی از آن تیتروهای جنجالی شان رو کردند که آیا این قرارداد حکمت‌آمیز است یا دادن بخشی از خاک و منافع ایران، به کشوری دیگر محسوب می‌شود. خب طبیعی است که پس از این اخبار و به اصطلاح شایعه‌ها، رسانه های اپوزیسیون هم به این ماجرا دامن زدند و ادعای همه این بود که در این معامله، ایران امتیازات کلانی به چین داده است. خب بدسلیقگی ما هم به این ماجرا دامن زد؛ مثلا وقتی در شبی خاص، روی برج آزادی تصویر پرچم ایران و چین کنار هم نقش بست!

اما واقعیت ماجرا چیست؟

اولا وقتی این شایعات مطرح شد، هنوز این قرارداد نهایی نشده بود تازه دو سال بعد، حوالی اسفند ۱۴۰۰ این ماجرا به فاز اجرایی رسید. بدون شک تیترا اصلی این توافق در این جمله نهفته است که سیاست های آمریکا برای انزوای ایران و قطع روابط بین المللی ما شکست خورده است. و رود ما به تعامل با سایر کشورهایی که نقش جدی در اقتصاد جهان بازی می‌کنند، راهبردی منطقی است برای عبور از تحریم‌ها، به جای سرخم کردن در برابر تمامیت خواهی های غرب.

بدهکاری که ادای معترض ها را در می آورد



آن قدر این روزهایی که بر ما گذشت، سایه رسانه ها روی آگاهی مردم افتاده بود که هر چیزی ممکن شده بود. مثلا ممکن بود شما کسی را بگیری که گوشی ات را در زده است، او هم داد بزند که من فقط یک معترض هستم و بریزند سر شما و کتکت بزنند، دزد هم با خیال راحت گوشی را بردارد و برود. (این اتفاق واقعی بود).

نمونه بزرگ ترش ماجرای حسن فیروزی است، کسی که یک پشتیبان رسانه ای با عنوان «کانون حقوق بشر ایران»، پیدا کرد. کانونی در آلمان که به مسائل حقوق بشری در ایران می پردازد. این کانون، آذرماه از زندانی شدن فردی به نام حسن فیروزی به جرم اغتشاش خبر داد. بعد هم از مرگ او در اثر شکنجه گفت. خیلی ها را هم با خودش همراه کرد، مخصوصا جمع همیشه در صحنه سلبریتی های نا آگاه و کم دانش.

اما حقیقت ماجرا چیست؟

این فرد وقتی در مرز ایران، در نقطه ای از جزیره قشم دستگیر شد، خودش همه چیز را اعتراف کرد و توضیح داد که دلیل فرارش چیز دیگری بوده است اما فرصت را هم غنیمت شمرده برای پناه بردن به کسانی که بدترین پناهگاه هستند.

او در اولین اظهارات خود بیان کرد: «در مدت زمان مفقودی به جنوب کشور رفته بودم.» فیروزی همچنین در خصوص تصاویر و فایل های صوتی منتسب به خود گفت: «فایل ها را خودم و به درخواست مدیران کانال و یک شبکه رسانه ای معاند، تهیه و برای شان ارسال می کردم. از آنجایی که عکس های من در شبکه های مجازی به صورت گسترده منتشر شده بود، مدیران رسانه ای که با آنها در ارتباط بودم از من خواستند دستورات و خواسته های شان را اجرا کنم.»

او گفته که «من حتی یک روز هم در پی حوادث اخیر کشور دستگیر نشده و در بازداشت نبوده ام. هیچ جای بدنم کبود نیست و هیچ گاه تحت شکنجه قرار نگرفته ام.» البته اقداماتش برای ساخت سناریوی بازداشت و شکنجه در زندان های ایران را این گونه توضیح داده است: «چون به طلبکاران خود بدهی داشتم، تصمیم گرفتم از خانه فرار کنم و به همین دلیل در تاریخ ۲۹ آبان ضمن فرار از منزل، سناریوی بازداشت و شکنجه خود را طراحی و آن را با اعضای رسانه های خارج از کشور مطرح کردم. قصدم این بود تا بتوانم از این داستان به نفع خودم استفاده کنم و با ربط دادن موضوع دستگیری ام به اتفاقات اخیر در کشور، عنوان کردم که توسط مأموران امنیتی بازداشت و روانه زندان شده ام تا از دست طلبکاران نجات پیدا کنم.»

رسانه بودن این روزها شده است جلوه دادن باطل خیلی چیزهای درست یا حق جلوه دادن خیلی چیزهای غلط؛ در حالی که وظیفه اش کشف و بازنمایی حقیقت است. اگر رسانه نباشد، امکان تحریف زیاد می شود. خیلی از اتفاقات تاریخی به همین دلیل چهره عوض کرد اما گاهی یک فرد، جای یک رسانه بزرگ را پر کرده است تا تاریخ، همان طور که اتفاق افتاده به ما برسد. چنانچه حضرت زینب سلام...، بزرگ ترین رسانه برای جلوگیری از تحریف واقعه عاشورا بودند. به بهانه سالروز وفات این بانوی بزرگ، رفته ایم سراغ چند دروغ بزرگ سیاسی که خیلی ها این روزها باورشان کرده اند، به دلیل نبود همین رسانه درست.

همه ایرانی ها کرونا دارند



دروغ گاهی آن قدر زیبا مطرح می شود که حتی خود گوینده هم باورش می کند. مثلا با شروع بیماری کرونا در ایران و در حالی که هنوز اپیدمی کرونا در کشورهای غربی شروع نشده بود؛ رسانه های بیگانه همه تلاش شان را کردند که رسانه های ایرانی را متهم کنند به دادن اطلاعات غلط در خصوص آمار کرونا و به نوعی پنهان کردن آمار واقعی آن و هدف نیز این بود که دولت ایران را در مواجهه با این بیماری ناتوان جلوه دهند.

همه ما هم اوایل نگران میزان کشته ها بودیم و این طبیعی هم بود که برای مبارزه با بیماری عجیبی مثل کرونا، همه مردم جهان دچار معضل باشند.

اما واقعیت ماجرا چیست؟

همین امروز که کشورهای غربی و مدعی، هنوز آماری چند هزار نفره در مورد کشته های مربوط به کرونا را روزانه ثبت می کنند؛ واقعیت کمی روشن تر شده اما بد نیست بدانید که اساسا آمار منتشر شده از سوی وزارت بهداشت ایران منطبق با معیارهای سازمان بهداشت جهانی است و این سازمان نیز بارها بر آمار منتشر شده از سوی وزارت بهداشت ایران صحه گذاشته است. البته لازم به ذکر است که در همه کشورهایی که با معیارهای سازمان بهداشت آمار خود را منتشر می کنند، ممکن است آمار واقعی جانباختگان کرونا بیشتر از آمار اعلامی باشد. این مسأله به این خاطر است که سازمان بهداشت تنها کسانی را که تست کرونا یا آنها مثبت شده و سپس فوت کرده اند در شمار آمار رسمی می آورد و ممکن است برخی از فوتی های کرونا به دلیل عدم تست دادن از قلم بیفتند؛ که البته این مسأله نیز مربوط به همه کشورهاست، منحصر در ایران نیست و ارتباطی هم به پنهانکاری ندارد.

۳ هزار میلیارد معروف



اصلا دارد تبدیل به ضرب المثل می شود. هرکس می خواهد از بخوربخورهای مالی حرف بزند، سریع می رود سراغ این ۳۰۰۰ میلیارد اختلاس. چیزی که بانام محمودرضا خاوری گره خورده است. تصور خیلی ها متناسب با اخباری که رسانه های معاند و بعضا نا آگاه منتشر کرده اند این است که خاوری هم این پول را با خودش از ایران خارج کرده و به کانادا برده است و به ریش ما هم خندیده است.

اما واقعیت ماجرا چیست؟

متهم اصلی این پرونده مه آفرید امیرخسروی بود که پس از دستگیری و محاکمه در قوه قضاییه و رد اموال، خرداد سال ۹۳ اعدام شد. پس بارد اموال صورت گرفته، وجوه این اختلاس به بیت المال بازگردانده می شود. در این باره سخنگوی دستگاه قضا اعلام می کند: «مه آفرید امیرخسروی حدود ۲۹۰۰ میلیارد بدهی داشت و کل این مال به بیت المال برگشت، ۶۲۵ میلیارد تومان هم جزای نقدی گرفته شد.» پس مبالغ اختلاس شده از کشور خارج نشده و در نهایت به بیت المال بازگشته است.



قطب نما

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۳۵ ■ ۱۳ بهمن ۱۴۰۱

نوجوان
بازار



حسین
شکيب راد